عوامل روانی ـ اجتماعی مؤثر در فرار دختران از خانه

شهرام محمدخانی*

طرح مسأله: *هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی عوامل روانی ـ اجتماعی مرتبط با فرار دختران از خانه با تاکید بر مقایسهٔ هوش هیجانی دختران فراری و عادی بود.*

روش: *مطالعهٔ حاضر از نوع پژوهش‌های علی ـ مقایسه‌ای بود. نمونهٔ پژوهش شامل ۴۰ دختر فراری ساکن مراکز بهزیستی استان تهران و ۷۰ دختر عادی بودند که از نظر سن و وضعیت اقتصادی ـ اجتماعی با هم همتا شده بودند و با استفاده از پرسش‌نامهٔ هوش هیجانی بار ـ اون و پرسش‌نامهٔ جمعیت‌شناختی مورد بررسی قرار گرفتند.*

یافته‌ها: *بین هوش هیجانی دختران فراری و عادی تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین هوش هیجانی دختران فراری پایین‌تر از دختران عادی است. عواملی مانند اختلافات خانوادگی، سوء استفادهٔ جسمی و جنسی از دختران در خانواده، اعتیاد والدین و سخت‌گیری و برخورد نامناسب کارکنان مدارس نیز با فرار دختران از خانه مرتبط می‌باشند.*

نتایج: *با توجه به نقش هوش هیجانی و مهارت‌های مقابله‌ای در فرار دختران طراحی مداخلات روانی اجتماعی به منظور افزایش هوش هیجانی و تقویت مهارت‌های مقابله‌ای دختران آسیب‌پذیر و به‌سازی فضای روانی اجتماعی خانواده‌ها باید مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد.*

کلید واژه‌ها: دختران فراری، عوامل روانی ـ اجتماعی، مهارت‌های مقابله‌ای، هوش هیجانی

تاریخ دریافت: ۸۵/۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۸۶/۵/۱۶

* دکتر روانشناس بالینی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم تهران <s_moahammadkhani@yahoo.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

مقدمه

افزایش فزایندهٔ پدیدهٔ فرار از خانه در بین دختران در سال‌های اخیر و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی آن توجه متخصصان، سیاست‌گزاران و جمعیت عمومی را به این پدیده معطوف ساخته است. براساس گزارش سازمان جهانی بهداشت سالانه بیش از یک میلیون نوجوان ۱۹-۱۳ ساله از خانه فرار می‌کنند که از این تعداد ۷۴ درصد دختر و ۲۶ درصد پسر هستند (Coco & Courtney,1998:868; Finkelhor, et al., 1992:226; Crespi & Sabatelli, 1993; Whitbeck, et al,2004). به طور کلی بر اساس نتایج بررسی‌ها میزان شیوع فرار از خانه در بین دختران بیشتر از پسران مشاهده می‌شود (National Network of Runaway & Youth Services, 1991; Yates et al., 1991:445; Coco& Courtney,1998). گرچه مطالعهٔ علمی و دقیقی دربارهٔ میزان شیوع فرار از خانه در ایران انجام نشده است، نتایج گزارش‌های منتشر شده حاکی از آن است که مسألهٔ فرار از خانه در بین دختران ایرانی در سال‌های اخیر افزایش چشمگیری یافته است (حقیقت دوست، ۱۳۸۱). بر اساس گزارش نیروی انتظامی کشور سالانه ۶۰۰۰۰ دختر از خانه فرار می‌کنند، که دامنهٔ سنی آنان بین ۱۵تا ۱۸ سال می‌باشد. براساس همین گزارش ۷۵ درصد افراد فراری را دختران تشکیل می‌دهند (صمدی‌راد، ۱۳۷۹). روند رو به افزایش تعداد دخترانی که از خانه فرار می‌کنند و خطرات متعددی که این افراد را تهدید می‌کند، پدیدهٔ فرار از خانه را به صورت یک معضل روانی اجتماعی جدی درآورده است که نیازمند مطالعه و بررسی عمیق می‌باشد. نوجوانانی که از خانه فرار می‌کنند وارد چرخهٔ زندگی خیابانی می‌شوند و خطرات زیادی آنان را تهدید می‌کند (Redlener, 1994: 52; Ennet et al., Ayerst, 1999; 1999; Patel & Gueydan's, 2001).

با وجود تلاش‌های متعددی که در سرتاسر جهان، جهت درک و فهم عوامل موثر در فرار کودکان و نوجوانان و نیز مشکلات متعددی که این کودکان و نوجوانان با آن‌ها مواجه‌اند صورت گرفته، تاکنون مطالعهٔ علمی دقیق و نظام‌داری که ابعاد گوناگون این پدیده را مورد بررسی قرار دهد، در ایران انجام نشده است. علاوه بر این بسیاری از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

پژوهش‌های انجام شده دارای مشکلات مفهومی و روش‌شناختی می‌باشند. به عنوان مثال برخی پژوهش‌ها فاقد گروه کنترل هستند و برخی دیگر نیز بیشتر بر متغیرهای جمعیت‌شناختی و خانوادگی تاکید کرده‌اند و نقش سایر عوامل از جمله عوامل فردی و روان‌شناختی را کمتر مورد بررسی قرار داده‌اند (به‌عنوان مثال، صمدی راد، ۱۳۸۰؛ پیکرستان، ۱۳۸۰؛ سعیدی، ۱۳۷۲؛ حقیقت دوست، ۱۳۸۱). با توجه به نکات فوق پژوهش حاضر به منظور بررسی عوامل روانی اجتماعی مرتبط با فرار دختران با تاکید بر هوش هیجانی طراحی شده بود.

۱) چارچوب نظری

فرار از خانه پدیدهٔ پیچیده‌ای است که نتیجه تعاملی مجموعه‌ای از عوامل خانوادگی، روان‌شناختی و اجتماعی است. مطالعات انجام شده در زمینهٔ فرار نوجوانان بر پایهٔ دو رویکرد نظری مهم استوار است: رویکرد انگیزشی و رویکرد شخصیتی. رویکرد اول انگیزه‌های فرار از خانه را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ در حالی که رویکرد دوم به بررسی ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی نوجوانان فراری پرداخته و درنتیجه رویکرد گسترده‌ای به این پدیده دارد (Sharlin & Mor-Barak, 1992). هومر (۱۹۷۳) با به کارگیری رویکرد انگیزشی در مورد دختران فراری انگیزه‌های آنان را به دو نوع طبقه‌بندی می‌کند: "فرار از وضعیت نامناسب خانواده" (به‌عنوان مثال تعارضات و اختلافات خانوادگی و طردشدگی در مدرسه) و "فرار برای رسیدن به اهداف خاص" (به‌عنوان مثال روابط عاشقانه، آزادی). هومر با رد این عقیده که رفتار فرار از خانه صرفاً واکنشی به تعارضات و کشمکش‌های خانوادگی یا فریادی برای کمک می‌باشد، اظهار می‌دارد که بسیاری از دختران صرفاً به دلیل شرایط خانوادگی اقدام به فرار نمی‌کنند (هومر، ۱۹۷۳؛ به نقل از Sharlin & Mor-Barak,1992). نوجوانانی که برای رسیدن به هدفی اقدام به فرار از خانه می‌نمایند، هر چند ممکن است مشکلاتی با خانواده یا مدرسه و جامعه داشته باشند، ولی بیشتر در جستجوی هیجان هستند. هومر این دختران را جستجوگران لذت می‌نامد. آن‌ها به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

سوی مکان‌ها و افرادی فرار می‌کنند که فعالیت‌های منع شده در خانواده را برای آنان فراهم می‌سازند (مانند روابط جنسی، مواد و مشروبات الکلی) و معمولاً جذب گروه‌های بزهکاری می‌شوند. در مقابل نوجوانانی که از جایی فرار می‌کنند از یک حیطه مهم زندگی خود احساس ناخشنودی می‌کنند (از قبیل احساس تعارض یا احساس بیگانگی نسبت به خانواده). این دختران تعارض‌های بین فردی و مشکلات خانوادگی زیادی را تجربه می‌کنند ولی قادر به حل و فصل مشکلات خود نیستند. شرایط خانوادگی این نوجوانان غالبا آسیب‌زا می‌باشد؛ به عنوان مثال مصرف مشروبات الکلی، سوء مصرف مواد، سوء استفادهٔ جسمی و جنسی یا مشکلات اقتصادی در این خانواده‌ها بیشتر مشاهده می‌شود. بنابراین فرار از خانه در این نوع موارد، تصمیم منطقی برای گریز از آسیب تلقی می‌شود (Coco & Courtney,1998; Zide & Cherry,1999). در همین راستا کورتس و همکاران (۱۹۹۱) در پژوهش خود نشان داده‌اند که میزان بالای سوء استفادهٔ جسمی و جنسی با فرار از خانه رابطه دارد. بیش از یک چهارم نوجوانان مورد مطالعه در این پژوهش قبل از فرار مورد سوء استفاده جنسی و جسمی قرار گرفته بودند. در پژوهش‌های دیگر این میزان از ۲۵ تا ۷۵ درصد متفاوت است. به طور کلی میزان سوء استفادهٔ جنسی در نوجوانان فراری پنج بار بیشتر از وقوع آن در جمعیت عمومی است (Rotheram-Borus, 1996). در مقابل، رویکرد شخصیتی به رفتار فرار از خانه بر اساس دو رویکرد اصلی استوار است: رویکرد اول فرار از خانه را یک علامت نوروتیک در نظر می‌گیرد و رویکرد دوم بر رابطهٔ بین کانون کنترل درونی و بیرونی و فرار تاکید می‌کند (Sharlin & Mor-Barak,1992). لوینتال (۱۹۶۴) با بررسی کانون کنترل نوجوانان فراری و عادی دریافت که نوجوانان فراری در مقایسه با گروه کنترل از سطح کنترل درونی پایینی برخوردار هستند. شارلین و مور ـ باراک با اضافه کردن دو متغیر کانون کنترل و تکانش‌گری ـ تامل دریافت که دختران فراری در مقایسه با دختران غیرفراری بیشتر به شیوهٔ تکانشی عمل می‌کنند (Sharlin & Mor-Barak,1992). علاوه بر رویکردهای فوق، لاپین و کاولمن (۱۹۸۵) بر اساس دیدگاه سیستمی یک مدل رشدی /ساختاری دربارهٔ رفتار فرار مطرح کرده‌اند. بر اساس این مدل فرار از خانه نشان‌دهندهٔ ناتوانی خانواده در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

برخورد موثر با فرایند جدایی و فردیت‌یابی نوجوان قلمداد می‌شود. کرسپی و ساباتلی بر اساس نظریهٔ فردیت استدلال می‌نمایند که فرار از خانه پاسخی به رفتار محدودکنندهٔ خودمختاری والدین است. این پژوهشگران معتقد هستند که ترکیب پویایی‌های خانواده و فرایندهای رشدی، تلاش نوجوان برای رسیدن به فردیت و استقلال از طریق فرار از واحد خانواده را تبیین می‌کنند (Crespi & Sabatelli, 1996).

هوش هیجانی (EQ) حوزه‌ای نسبتاً جدید و رو به رشد در علوم رفتاری است که در سال‌های اخیر مطرح شده و تلاش‌های زیادی برای درک مفهوم هوش هیجانی، تعیین‌کننده‌های آن، اثرات آن، روند تحول و شکل‌گیری آن، و شیوه‌های تغیر آن صورت پذیرفته است (Zeidner, et al., 2003). هوش هیجانی که در مقابل هوش شناختی مطرح است، عمدتاً به شیوه‌های مدیریت و کنترل هیجانات، مقابله با مشکلات و حل تعارض و برقراری ارتباط سازنده با دیگران مربوط می‌شود. هوش هیجانی منعکس‌کنندهٔ چگونگی تعامل شخص با دیگران و به‌کارگیری دانش خود در موقعیت‌های بلافصلی است که با آن مواجه می‌شود (گولمن، ۱۳۸۲؛ مایرز و سالوی، ۱۹۹۳). بررسی‌های انجام شده در زمینهٔ هوش هیجانی حاکی از آن است که سطح پایین هوش هیجانی با بسیاری از مشکلات روانی اجتماعی ارتباط دارد (Bar-On, 1997). به عنوان مثال رکر و پارکر (۱۹۹۹) در بررسی رفتارهای مشکل آفرین کودکان و نوجوانان بین هوش هیجانی و مشکلات درون‌ریز و برون‌ریز رابطهٔ معناداری دریافتند (به نقل از Zeidner, et al., 2003). با این حال پژوهش مستقلی در زمینهٔ رابطهٔ هوش هیجانی و فرار دختران از خانه انجام نشده است.

۲) روش

۲-۱) نوع پژوهش

مطالعهٔ حاضر از نوع پژوهش‌های علی ـ مقایسه‌ای است که به منظور بررسی عوامل مرتبط با فرار دختران از خانه طراحی شده بود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

۲-۲) جامعهٔ آماری و روش نمونه‌گیری

جامعهٔ آماری پژوهش حاضر شامل دختران فراری زیر ۲۰ سال است که به دلایل مختلف از خانه فرار کرده‌اند. نمونهٔ آماری پژوهش حاضر شامل ۱۱۰ دختر زیر ۲۰ سال بود که ۴۰ نفر از آنان جز گروه فرار و ۷۰ نفر جز گروه کنترل بودند که از بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران انتخاب و از نظر سن و وضعیت اقتصادی ـ اجتماعی خانواده با هم همتاسازی شده‌اند. نمونهٔ دختران فراری با استفاده از نمونهٔ دردسترس از بین دختران فراری ساکن مراکز مداخله در بحران سازمان بهزیستی شهر تهران و نمونه دختران گروه کنترل با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی از مناطق ۱۵، ۱۹ و ۱۸ تهران انتخاب شدند. با توجه به این‌که اکثر دختران فراری معمولاً از طبقات اقتصادی ـ اجتماعی پایین می‌باشند، به منظور همتاسازی دو گروه از نظر متغیرهای جمعیت‌شناختی، گروه کنترل از مناطق جنوب تهران انتخاب شد.

۲-۳) ابزارهای پژوهش

۲-۳-۱) پرسش‌نامهٔ بهر هیجانی بار ـ اون

پرسش‌نامهٔ بهر هیجانی بار ـ اون نخستین پرسش‌نامهٔ معتبر فرا فرهنگی جهت ارزیابی هوش هیجانی است (زارع، ۱۳۸۰). این پرسش‌نامه توسط بار ـ اون در سال ۱۹۹۷ ساخته شده است و شامل یک نمرهٔ کلی (هوش بهر هیجانی کلی EQ)، پنج عامل مرکب و یک شاخص هماهنگی و ۱۵ خرده مقیاس است. پنج عامل مرکب عبارتند از: ترکیب روابط درون فردی؛ ۲- ترکیب روابط بین فردی؛ ۳- ترکیب مقابله با فشار؛ ۴- ترکیب سازگاری کلی؛ ۵- ترکیب خلق کلی. خرده مقیاس‌های پرسش‌نامهٔ بهر هیجانی بار ـ اون شامل موارد زیر است: ۱- خودآگاهی هیجانی؛ ۲- جرأتمندی؛ ۳ - حرمت نفس؛ ۴- خودشکوفایی؛ ۵- استقلال؛ ۶- همدلی؛ ۷- انعطاف‌پذیری؛ ۸- حل مسأله؛ ۹- تحمل سختی؛ ۱۰- واقعیت‌سنجی؛ ۱۱- مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ ۱۲- کنترل تکانه‌ها؛ ۱۳- شادی و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

نشاط؛ ۱۴- خوش‌بینی؛ و ۱۵- روابط بین فردی. پرسش‌نامهٔ بهر هیجانی بار ـ اون شامل ۱۳۳ سوال است و هر ماده بر اساس پاسخ آزمودنی از ۱تا ۵ درجه‌بندی می‌شود. میانگین کلی ضریب همسانی درونی پرسش‌نامه ۰/۷۶ گزارش شده است (زارع، ۱۳۸۰). همچنین دهشیری (۱۳۸۲) ضریب پایایی پرسش‌نامهٔ هوش هیجانی را با فاصلهٔ زمانی چهار ماه ۰/۷۳ گزارش نموده است. پایایی درونی پرسش‌نامه بهر هیجانی بار ـ اون در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵ به دست آمد که پایایی بالایی است. روایی محتوا و صوری پرسش‌نامهٔ بهر هیجانی بار ـ اون با روش سیستماتیک مورد اعتباریابی قرار گرفته است. ابتدا ماده‌های بیان‌کنندهٔ اساس و جوهر هر عامل بر اساس تعریف‌ها، ایجاد و انتخاب شدند. علاوه بر این، بازخورد مستقیم دربارهٔ روایی صوری توسط ۳۰ آزمودنی که در مرحلهٔ اولیه شکل‌گیری EQ-I مورد مصاحبه قرار گرفته بودند، به دست آمد. اطلاعات بیشتر دربارهٔ ماهیت پرسش‌نامه از طریق هزار آزمودنی که طی چند سال ساخت پرسش‌نامه مورد مطالعه قرار گرفتند گردآوری شد (Bar-On, 1997). این یافته‌ها نشان‌دهندهٔ روایی افتراقی بالای پرسش‌نامهٔ بهر هیجانی بار ـ اون است.

۲-۳-۲) پرسش‌نامهٔ جمعیت‌شناختی

این پرسش‌نامه که یک ابزار محقق ساخته است، به منظور جمع‌آوری اطلاعات در خصوص عوامل جمعیت‌شناختی و وضعیت خانوادگی شرکت‌کنندگان طراحی شده بود. این پرسش‌نامه شامل سوالات چندگزینه‌ای است که متغیرهایی نظیر سن، وضعیت تحصیلی، ترتیب تولد، وضعیت تحصیلی و اشتغال والدین، کیفیت رابطه با خانواده، سابقهٔ سوء استفادهٔ جسمی و جنسی در خانواده، تعارض‌های خانوادگی، سابقهٔ مصرف مواد در خانواده، سابقهٔ مصرف مواد توسط فرد، رابطه با جنس مخالف، سابقهٔ فرار از مدرسه و مهم‌ترین عامل فرار از خانه از دیدگاه خود دختران را ارزیابی می‌کند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

۴-۲) روش اجرا

به منظور اجرای پژوهش ۴ نفر از کارشناسان زن مشاوره انتخاب شده و در خصوص نحوهٔ اجرای پرسش‌نامه‌ها توجیه شدند. پس از هماهنگی با مسئولان مراکز مداخله در بحران سازمان بهزیستی و مدارس منتخب شهر تهران و انتخاب نمونه مورد نظر مجریان پژوهش به آن‌جا مراجعه کرده و پس از برقراری ارتباط با دختران و جلب رضایت آنان برای شرکت در پژوهش، از طریق مصاحبهٔ انفرادی پرسش‌نامه‌های مربوط تکمیل کردند. نتایج با استفاده از روش‌های آماری مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۳) یافته‌ها

مقایسهٔ سنی دختران فراری و گروه کنترل نشان داد که تفاوت معناداری بین دو گروه وجود ندارد. میانگین سن دختران فراری ۱۷/۱ و دختران عادی ۱۶/۶ سال بود. بر اساس نتایج به‌دست آمده ۴۵ درصد از دختران فراری دارای سابقهٔ فرار از خانه بودند. ۴۰ درصد دختران فراری حداقل دوبار و ۳۰ درصد آنان یک بار اقدام به فرار کرده بودند. ۱۶/۷ درصد از دختران دارای سابقهٔ فرار، اولین بار در سن ۱۳ سالگی، ۳۸/۹ درصد در سن ۱۴ سالگی، ۲۲/۲درصد در ۱۵ سالگی، ۱۱/۱درصد در ۱۶سالگی و ۱۱/۱ درصد در سن ۱۷ سالگی اولین بار از خانه فرار کرده بودند. طبق یافته‌های به‌دست آمده بیش از ۵۰ درصد دختران فراری در حدود ۱۴ سالگی اقدام به فرار کرده بودند.

مقایسهٔ وضعیت تحصیلی والدین دختران فراری و گروه کنترل نشان داد که بین سطح تحصیلات پدر و مادر دختران فراری و گروه کنترل تفاوت معناداری وجود دارد (x^2=۱۴/۶ , df = ۷ , p۰/۰۴۲). همچنین براساس نتایج پژوهش ۲۵ درصد از پدران دختران فراری بیکار بودند، درحالی که تنها ۷ درصد از پدران دختران عادی بیکار بودند. انجام آزمون x^2 نشان داد که بین وضعیت اشتغال پدران دختران فراری و گروه کنترل تفاوت معناداری وجود دارد (x^2 =۶/۹ , df=۱ , p=۰/۰۹). بر اساس یافته‌های پژوهش بیش از ۷۵ درصد دختران فراری از رابطهٔ خود با پدرانشان ناراضی بودند در حالی که این میزان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

در مورد دختران عادی ۴۰ درصد بود. انجام آزمون x^2 نشان داد که بین چگونگی رابطه با پدر و فرار از خانه رابطه وجود دارد (x^2 =۱۲/۱۵ , df = ۴ , P=۰/۰۱۶). همچنین بیش از ۶۴ درصد دختران فراری از رابطهٔ خود با مادرشان ناراضی بودند در حالی که این میزان در مورد دختران عادی ۱۶ درصد بود. انجام آزمون x^2 نشان داد که بین چگونگی ارتباط با مادر و فرار از خانه رابطه وجود دارد (x^2 =۳۸/۲۴ , df = ۴ , P=۰/۰۰۰).با توجه به نتایج پژوهش، ۸۵ درصد از دختران فراری گزارش کردند توسط اعضای خانواده مورد آزار و اذیت جسمی قرار گرفته‌اند، درحالی که این میزان در مورد دختران گروه کنترل ۲۶ درصد بود. آزمون x^2 نشان داد که رابطهٔ معنی‌داری بین بدرفتاری خانواده و فرار از خانه وجود دارد (x^2 =۳۵/ ۹۴ ,df= ۱ , P=۰/۰۰۰). ۳۵ درصد دختران فراری گزارش کردند که توسط پدر، ۱۷ درصد توسط مادر، ۳۷ درصد توسط برادر و ۱۲ درصد توسط سایر افراد مورد آزار قرار گرفته‌اند.

همچنین براساس نتایج پژوهش ۴۴ درصد دختران فراری گزارش کردند که توسط اعضای خانواده مورد سوء استفادهٔ جنسی قرار گرفته‌اند. ۱۷/۶ درصد دختران فراری توسط پدر، ۴۱/۲ درصد توسط برادر و ۴۱/۲ درصد توسط سایر افراد مورد سوء استفادهٔ جنسی قرار گرفته‌اند. انجام آزمون x^2 نشان داد که رابطهٔ بسیار معنی‌داری بین سوء استفادهٔ جنسی از دختران در خانواده و فرار از خانه وجود دارد (x^2 =۳۵/۶۹ , df = ۱ , P=۰/۰۰۰). علاوه بر سوء استفادهٔ جسمی و جنسی، ۷۳ درصد از دختران فراری اظهار نمودند که خانواده‌هایشان به نیازهای عاطفی آنان کمتر توجه می‌کند، در حالی که تنها ۸ درصد دختران گروه کنترل این موضوع را گزارش نمودند. انجام آزمون x^2 نشان داد که رابطهٔ بسیار معنی‌داری بین میزان توجه خانواده به نیازهای عاطفی دختران و فرار از خانه وجود دارد (x^2=۲۹/۲۹ , df = ۴ , P=۰/۰۰۰). همچنین ۳۲ درصد از دختران فراری گزارش کردند که خانواده‌هایشان آنان را به انجام کارهای ناخواسته از قبیل خرید و فروش مواد، رابطهٔ جنسی و ازدواج مجبور می‌کردند. علاوه بر این، بیش از ۶۰ درصد از دختران فراری گزارش کردند که با خانوادهٔ خود اختلاف و کشمکش داشته‌اند در حالی که تنها ۱۶ درصد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

از دختران گروه کنترل گزارش نمودند که با خانواده‌شان اختلاف دارند. انجام آزمون x^2 رابطهٔ معناداری بین اختلاف با خانواده و فرار از خانه نشان داد (P=۰/۰۰۰ , df = ۴ , x^2 =۲۹/۲۶). بر اساس نتایج به‌دست آمده ۵۷/۵ درصد از دختران فراری گزارش کردند که یکی از اعضای خانواده آنان اعتیاد دارد که ۴۸ درصد آنان تریاک، ۳۹/۲ درصد هروئین و ۱۲/۳ درصد کوکائین مصرف می‌کنند؛ در حالی که تنها ۱۱ درصد دختران گروه کنترل گزارش کردند که یکی از اعضای خانواده‌شان دچار اعتیاد می‌باشد. بررسی نتایج با استفاده از آزمون x^2 نشان داد که بین اعتیاد اعضای خانواده و فرار دختران از خانه رابطه وجود دارد (P=۰/۰۰۰ , df = ۱ , x^2 =۲۴/۵). در خصوص سوء مصرف مواد در بین دختران فراری بر اساس نتایج پژوهش نزدیک ۵۰ درصد دختران فراری گزارش نمودند که سابقهٔ مصرف الکل، سیگار و سایر مواد دارند؛ در حالی که ۱۳ درصد دختران گروه کنترل سابقهٔ مصرف الکل، سیگار و سایر مواد داشتند. از نظر نوع مادهٔ مورد مصرف ۴۰ درصد دختران فراری سیگار، ۳۰ درصد حشیش، ۱۵ درصد کوکائین، ۱۰ درصد قرص‌های آرام بخش و ۵ درصد مشروبات الکلی گزارش نمودند؛ در حالی که در بین دختران گروه کنترل دارای سابقهٔ مصرف مواد، ۶۷ درصد سیگار و ۳۳ درصد کوکائین مصرف می‌کردند. بررسی نتایج با استفاده از آزمون x^2 نشان داد که بین دختران فراری و گروه کنترل از لحاظ مصرف الکل، سیگار و سایر مواد تفاوت معناداری وجود دارد (P=۰/۰۰۲ , df =۱ , x^2 =۹/۸) و میزان مصرف مواد در بین دختران فراری بیشتر از دختران عادی است.

در خصوص رابطه با جنس مخالف ۷۱ درصد از دختران فراری گزارش کردند که با جنس مخالف رابطه داشته‌اند؛ در حالی که این میزان در بین دختران گروه کنترل ۲۹درصد بود. انجام آزمون x^2 نشان داد که بین دختران فراری و گروه کنترل از لحاظ رابطه با جنس مخالف تفاوت معناداری وجود دارد (P=۰/۰۰۰ , df =۱ , x^2 =۱۷/۲۸). با توجه به این نتایج دختران فراری بیشتر از دختران عادی در معرض خطر رفتارهای جنسی قرار دارند.

مقایسهٔ وضعیت تحصیلی آزمودنی‌ها نشان داد که ۲۸ درصد از دختران فراری سابقهٔ مردودی داشتند؛ در حالی که ۱۱/۴ درصد از دختران گروه کنترل سابقه مردودی داشتند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

انجام آزمون x^2 نشان داد که از لحاظ سابقهٔ مردودی تفاوت معناداری بین دختران فراری و گروه کنترل وجود دارد (x^2 =۴/۰۶ , df =۱ , P=۰/۰۳۲). همچنین ۵۲/۵ درصد از دختران فراری دارای سابقه فرار از مدرسه نیز بودند؛ در حالی که ۸ درصد از دختران گروه کنترل سابقه فرار از مدرسه داشتند. انجام آزمون x^2 نشان داد که میزان فرار از مدرسه در بین دختران فراری و عادی متفاوت است (x^2 =۲۳/۴۳ , df =۱ , P=۰/۰۰۰). در خصوص سایر عوامل مدرسه‌ای مرتبط با فرار از خانه، ۳۵ درصد از دختران فراری فشار دوستان، ۱۲/۵ درصد برخورد معلمان، ۱۵ درصد سخت‌گیری مدرسه، ۷/۵ درصد رفتار مدیران و معاونان، ۲/۵ درصد برخورد مشاوران، ۷/۵ درصد امتحانات، ۷/۵ درصد کنکور، ۵ درصد قوانین مدرسه و ۵ درصد نیز سایر عوامل را از مهم‌ترین عوامل موثر در فرار خود گزارش کردند. در خصوص مهم‌ترین علل فرار از خانه از دیدگاه دختران، ۳۲ درصد دختران فراری اختلاف با والدین، ۸ درصد اختلاف با برادر و خواهر، ۵ درصد آزار و اذیت والدین، ۱۲ درصد بی‌توجهی خانواده به نیازهای عاطفی، ۱۰ درصد سوء استفاده، ۱۰ درصد داشتن دوست پسر، ۵ درصد آزار و اذیت ناپدری و نامادری و ۸ درصد فریب دوستان را مهم‌ترین دلایل فرار از خانه گزارش کردند.

نتایج پژوهش پژوهش در خصوص بررسی مقایسه‌ای هوش هیجانی دختران فراری و عادی (جدول شمارهٔ ۱) نشان داد که میانگین بهر هیجانی کلی دختران فراری (M=۷۹/۵ ، SD=۱۰/۰۱) کمتر از میانگین بهر هیجانی دختران گروه کنترل (M=۸۸/۲ ، SD=۶/۹۴) می‌باشد. انجام آزمون t نشان داد که بین بهر هیجانی دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد (t=36/5 , p>0/000). با توجه به این یافته‌ها دختران فراری در مقایسه با دختران عادی از هوش هیجانی پایین‌تری برخورد می‌باشند. همچنین مقایسهٔ نمرات دختران فراری و گروه کنترل بر حسب عامل‌های مرکب هوش هیجانی (جدول شمارهٔ ۴) نشان داد که در همهٔ عامل‌های مرکب سازندهٔ هوش هیجانی، میانگین نمرات دختران فراری کمتر از دختران گروه کنترل است. با توجه به نتایج به دست آمده، دختران فراری در مقایسه با دختران عادی از لحاظ هوش درون فردی، هوش بین فردی، توانایی انطباق‌پذیری، توانایی مقابله

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

با استرس و مقیاس خلق عمومی از توانایی ضعیف‌تری برخودار هستند.

جدول ۱: مقایسهٔ دختران فراری و گروه کنترل از لحاظ هوش هیجانی کلی و عوامل مرکب مقیاس هوش هیجانی

عوامل مرکب	دختران فراری		گروه کنترل			
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	t	p
روابط درون فردی	۱۱۶/۰۲	۱۴/۳۴	۱۲۵/۳۷	۹/۱۳	۴/۱۷	۰/۰۰۰
روابط بین فردی	۹۳/۵	۱۵/۳۶	۱۰۸/۹۴	۱۱/۵۸	۵/۹۵	۰/۰۰۰
انطباق پذیری	۸۰/۳۷	۱۵/۲۱	۹۰/۱۱	۱۰/۹۸	۳/۸۷	۰/۰۰۰
مقابله با استرس	۵۲/۰۷	۱۱/۸۴	۵۷/۱۱	۸/۱۴	۰/۹۰	۰/۰۳۶
خلق عمومی	۵۲/۴۷	۷/۳۴	۵۹/۴۵	۶/۶۶	۵/۰۹	۰/۰۰۰
بهر هیجانی کلی (EQ)	**۷۹/۵**	**۱۰/۰۱**	**۸۸/۲**	**۶/۹۴**	**۵/۳۶**	۰/۰۰۰

در پژوهش حاضر علاوه بر مقایسهٔ بهر هیجانی کلی و عوامل مرکب هوش هیجانی دختران فراری و گروه کنترل وضعیت دو گروه از خرده مقیاس‌های هوش هیجانی نیز مورد مقایسه قرار گرفت (جدول شمارهٔ ۲). همان‌طور که مشاهده می‌شود در تمامی خرده مقیاس‌های هوش هیجانی، میانگین نمرات دختران فراری از دختران عادی کمتر است. انجام آزمون t نشان داد که به جز در خرده مقیاس‌های استقلال و مقیاس شادی، در سایر خرده مقیاس‌ها تفاوت معناداری بین دختران فراری و گروه کنترل وجود دارد.

۴) بحث

همان‌طور که اشاره شد، بررسی‌های انجام شده در زمینهٔ علل فرار نوجوانان از خانه بر دو رویکرد نظری مهم استوار می‌باشند. رویکرد انگیزشی، انگیزه‌های فرار از خانه را مورد بررسی قرار می‌دهد در حالی که رویکرد شخصیتی به بررسی ویژگی‌های شخصیتی و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

جدول ۲: مقایسهٔ میانگین دختران فراری و گروه کنترل در خرده مقیاس‌های هوش هیجانی

خرده مقیاس‌ها	دختران فراری		گروه کنترل			
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	t	p
آگاهی هیجانی	۲۲،۴۰	۵،۴۶۷	۲۴،۶۹	۳،۸۳۹	۲/۵۶	۰/۰۱۲
جرات مندی	۲۲،۴۰	۳،۱۱۲	۲۳،۸۱	۳،۵۶۸	۲/۰۹	۰/۰۳۹
احترام به خود	۲۵،۴۸	۵،۲۹۶	۲۸،۹۰	۴،۱۴۳	۳/۷۶	۰/۰۰۰
خودشکوفایی	۲۴،۳۵	۳،۹۳۹	۲۶،۸۱	۳،۲۰۹	۳/۵۶	۰/۰۰۱
استقلال	۲۱،۴۰	۳،۵۹۳	۲۲،۵۹	۴،۲۵۸	۱/۴۸	۰/۱۴۱
همدلی	۲۴،۸۵	۷،۲۳۱	۳۰،۹۴	۴،۰۵۷	۵/۶۷	۰/۰۰۰
انعطاف پذیری	۳۴،۳۳	۵،۳۴۲	۳۹،۰۰	۴،۸۲۴	۴/۷۰	۰/۰۰۰
تحمل سختی	۳۵،۴۵	۷،۷۷۲	۳۸،۱۳	۵،۳۴۶	۲/۱۳	۰/۰۳۵
حل مسأله	۲۵،۵۷	۶،۶۲۹	۲۹،۴۶	۵،۴۷۴	۳/۳۱	۰/۰۰۱
واقعیت سنجی	۳۱،۱۰	۶،۲۴۶	۳۴،۰۰	۵،۱۰۸	۲/۶۳	۰/۰۱۰
مسئولیت پذیری	۲۳،۷۰	۵،۲۱۴	۲۶،۶۶	۴،۸۹۹	۲/۹۷	۰/۰۰۴
اجتماعی	۲۶،۸۲	۶،۰۶۳	۲۹،۰۱	۴،۶۲۷	۲/۱۲	۰/۰۳۶
کنترل تکانه	۲۸،۲۵	۷،۳۵۸	۲۹،۲۹	۷،۸۵۸	۰/۶۸	۰/۴۹
مقیاس شادی	۲۶،۵۵	۴،۱۳۸	۳۱،۲۰	۴،۱۳۴	۵/۶۷	۰/۰۰۰
خوش بینی	۲۵،۹۲	۵،۰۹۱	۲۸،۲۶	۴،۹۶۹	۲/۳۴	۰/۰۲۱
روابط بین فردی						

روان‌شناختی نوجوانان فراری پرداخته و در نتیجه، نگاه گسترده‌ای به این پدیده ارایه می‌دهد. در پژوهش حاضر در کنار بررسی انگیزه‌ها و عوامل موثر در فرار دختران از خانه ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی این دختران نیز مورد بررسی قرار گرفت. به طور کلی نتایج پژوهش نشان داد که رفتار فرار از خانه یک پدیدهٔ چند عاملی است و مجموعه‌ای از عوامل خانوادگی، مدرسه‌ای و روان‌شناختی منجر به فرار دختران از خانه می‌شوند. این نتیجه با یافته‌های بسیاری از پژوهش‌ها هماهنگ است (به عنوان مثال

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

Patel & Greydanus, 2001; Rohr,1996; Janus, et al., 1996; Greene, et al., 1997 Lewit & Baker, صمدی‌راد، ۱۳۷۹؛ حقیقت دوست، ۱۳۸۱؛ بازیاری میمندی، ۱۳۸۱؛ پیکرستان، ۱۳۸۰؛ سنجری،۱۳۵۳). بر اساس نتایج به‌دست آمده در حیطهٔ مشکلات خانوادگی، بیکاری و سطح تحصیلات پایین والدین، تغییرات در ساختار خانواده از قبیل فروپاشی خانواده و ورود ناپدری یا نامادری به نظام خانواده، فقدان ارتباط سالم بین اعضای خانواده و دختران جوان و اختلاف و ناسازگاری بین اعضای خانواده مهم‌ترین عوامل مرتبط با فرار از خانه هستند. نتایج پژوهش انجام شده در ایران و سایر کشورها این یافته‌ها را تایید می‌کنند (به عنوان مثال مک McCormack, et al., 1998; Zide & Mor-Barak, 1992; Rohr, 1996; Cherry,1992; Coco& Courtney,1998; Sharlin., & بازیاری میمندی، ۱۳۸۱؛ صمدی راد ، ۱۳۷۹؛ حقیقت دوست، ۱۳۸۱؛ سعیدی، ۱۳۸۲). همچنین سوء استفادهٔ جسمی و جنسی از دختران و بی توجهی به نیازهای عاطفی آنان نیز در فرار از خانه موثر است. نتایج مطالعات متعدد (به عنوان مثال Janus, et al., 1995; Kurtz, et al., 1991 ؛ صمدی راد ، ۱۳۷۹؛ بازیاری میمندی، ۱۳۸۱) این یافته‌ها را تایید می‌کند. یکی دیگر از عوامل خانوادگی مرتبط با فرار دختران از خانه، مصرف مواد توسط اعضای خانواده است (Patel & Greydanus, 2001؛ صمدی راد، ۱۳۷۹). به طور کلی بر اساس یافته‌های پژوهشی مشکلات خانوادگی از مهم‌ترین و شایع‌ترین عوامل موثر در فرار از خانه محسوب می‌شود (Coco & Courtney, 1998; Rotheram-Borus , et al., 1996, Crespi & Sabatelli, 1993). علاوه بر سابقهٔ اعتیاد در خانواده، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان مصرف مواد در دختران فراری بیشتر از دختران عادی است (Whitbeck, et al., 2004, Kipke, et al., 1997; Greene, et al., 1997). هویت و همکاران (۱۹۹۹) بر اساس "مدل فرصت جرم" اظهار می‌نمایند که نوجوانان فراری در نتیجهٔ مصرف مواد و ارتباط با همسالان منحرف، قربانی جرم و بزه می‌شوند. این نوجوانان پس از فرار از خانه درگیر رفتارهایی می‌شوند که احتمال تجربهٔ قربانی شدن و مشکلات جدید را افزایش می‌دهد (هویت و همکاران، ۱۹۹۹ به نقل از Paradise & Cauce, 2002). همان طور که

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

اشاره شد مطالعات انجام شده در زمینهٔ عوامل شخصیتی مرتبط با فرار نقش ویژگی‌هایی مانند کانون کنترل بیرونی، تکانش‌گری، مسأله‌گشایی ضعیف را در فرار از خانه مورد نشان داده‌اند (Ayerst, 1999; Sharlin & Mor-Barak, 1992). در پژوهش حاضر نقش متغیرهای فردی و شخصیتی در قالب هوش هیجانی مورد بررسی قرار گرفت. به طور کلی بررسی‌های انجام شده در زمینهٔ هوش هیجانی حاکی از آن است که سطح پایین هوش هیجانی با بسیاری از مشکلات روانی اجتماعی ارتباط دارد (Bar-On, 1990). به عنوان مثال رکر و پارکر (۲۰۰۰) نشان دادند هوش هیجانی با رفتارهای درون‌ریز از قبیل خلق افسرده و مشکلات شناختی رابطه دارد. هماهنگ با یافته‌های فوق، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که میانگین نمرهٔ بهر هیجانی دختران فراری در مقایسه با دختران عادی پایین‌تر است. به عبارت دیگر هوش هیجانی کلی دختران فراری در مقایسه با دختران عادی ضعیف‌تر است؛ همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش نمرات دختران فراری در تمامی عامل‌های مرکب هوش هیجانی شامل عامل بین فردی، درون فردی، انطباق پذیری، مدیریت استرس و خلق کلی پایین‌تر از دختران عادی بود. براساس این نتایج، دختران فراری در خرده مقیاس‌های خودآگاهی هیجانی، جرأتمندی، حرمت نفس، خودشکوفایی و خود مختاری ضعیف‌تر از دختران عادی هستند. به عبارت دیگر، این دختران اعتماد به نفس ضعیفی دارند، نمی‌توانند از حق دفاع کنند و علی رغم ظاهرشان رفتار مستقلانه‌ای ندارند. این نتایج با یافته‌های سایر پژوهش‌ها هماهنگ است. به عنوان مثال پاتل و گریدانوس (Patel & Greydanus, 2001) اظهار می‌دارند که نوجوانان فراری به دلیل احساس بی‌کفایتی و عزت نفس پایین به خوبی نمی‌توانند با ناملایمات زندگی مقابله کنند و در نتیجه اقدام به فرار می‌کنند. همچنین بازیاری میمندی (۱۳۸۱) با بررسی ویژگی‌های شخصیتی دختران فراری گزارش می‌کند که دختران فراری در مقایسه با دختران غیرفراری خلق نارس دارند، علی رغم ظاهر مستقل بسیار وابسته و منفعل هستند، از لحاظ اجتماعی و ارتباطی خود را بی‌کفایت می‌دانند و عزت نفس پایینی دارند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که دختران فراری در عامل انطباق‌پذیری هوش هیجانی ضعیف‌تر از دختران

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

عادی می‌باشند. این عامل در مقیاس بهر هیجانی بار ـ اون شامل مولفه‌های آزمون واقعیت، انعطاف‌پذیری و حل مسأله است. به این ترتیب به نظر می‌رسد دختران فراری به دلیل عدم برخورداری از مهارت‌های مسأله‌گشایی و واقعیت‌سنجی ضعیف در هنگام برخورد با مشکلات زندگی به جای حل و فصل سازگارانهٔ مشکل، به راه حل فرار متوسل می‌شوند که پیامدهای بدتری برای آنان در پی دارد. این یافته نیز با نتایج پژوهش‌های دیگر (به عنوان مثال، Ayerst, 1999; Patel & Greydanus, 2001) هماهنگ است. نتایج پژوهش در خصوص عامل خلق کلی که شامل خرده مقیاس‌های نشاط و شادکامی و خوش‌بینی است نشان می‌دهد که هرچند از لحاظ میزان شادی و نشاط بین دختران فراری و عادی تفاوت معناداری وجود ندارد ولی در خرده مقیاس خوش‌بینی و عامل خلق عمومی، تفاوت معنادار است؛ به عبارت دیگر دختران فراری نسبت به آینده خود و حل مشکلات زندگی‌شان امید چندانی ندارد، در نتیجه به جای حل سازندهٔ مشکلات، معمولاً به شیوه‌های اجتنابی مانند فرار از خانه و مصرف مواد و الکل متوسل می‌شوند که در کوتاه‌مدت موجب افزایش خلق آنان می‌شود ولی در درازمدت افسردگی و غمگینی جای این خوشی کوتاه‌مدت را می‌گیرد (Ayerst ,1999). همچنین بر اساس نتایج پژوهش نمره دختران فراری در عامل هوش درون فردی مقیاس بار ـ اون نیز پایین‌تر از دختران عادی است. عامل درون فردی هوش هیجانی شامل همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و روابط بین فردی است. این یافته‌ها به معنای آن است که دختران فراری از مهارت‌های همدلی و روابط بین فردی ضعیفی برخوردار هستند و به همین دلیل نمی‌توانند با دیگران به خوبی سازگار شوند. شاید بخشی از مشکلات خانوادگی و تعارضات بین فردی این افراد به همین کمبود مهارت‌های ارتباطی مربوط شود. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که نمرات دختران فراری در هر دو خرده مقیاس عامل مقابله با استرس (کنترل تکانه و تحمل استرس) پایین‌تر از دختران عادی است؛ به عبارت دیگر دختران فراری از یک سو به دلیل عدم برخورداری از مهارت‌های مقابله‌ای موثر توانایی تحمل سختی را ندارند و از طرف دیگر کنترل خواسته‌ها و تکانه‌های خود برای آنان دشوار است، بنابراین در هنگام مواجهه با استرس‌های زندگی به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

شیوهٔ تکانشی و بدون این که عواقب و پیامدهای رفتار خود را در نظر بگیرند، خیلی سریع تصمیم به فرار از خانه می‌گیرند. همان‌طور که نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد بسیاری از دختران فراری گزارش کردند که بر اثر فشار همسالان و دوستان خود اقدام به فرار کرده‌اند. با توجه با این‌که این دختران از مهارت‌های جرأتمندی و مهارت‌های ارتباطی موثری برخوردار نیستند، بنابراین خیلی سریع تسلیم خواسته‌های غیرمنطقی دیگران می‌شوند و در نهایت پیامدهای منفی تصمیم خود را تحمل می‌کنند. یافته‌های پژوهش‌های مختلف این نوع نتیجه‌گیری را تایید می‌کنند (Kurtz, et al., 1991; Patel & Greydanus, 2001). به‌طور کلی بر اساس یافته‌های پژوهشی دختران فراری در زندگی فردی و خانوادگی خود با استرس‌هایی متعددی مواجه هستند که از آن جمله می‌توان به سوء استفادهٔ جسمی و جنسی، بی‌توجهی عاطفی، تعارض و اختلاف با اعضای خانواده، اعتیاد در خانواده، طلاق و جدایی والدین اشاره کرد و از طرف دیگر توانایی و مهارت‌های لازم برای مقابله با این مشکلات و استرس‌ها را ندارند، در نتیجه برای حل و فصل مسایل خود به شیوه‌های نامناسب متوسل می‌شوند. بنابراین می‌توان مطرح کرد که فرار از خانه، یک شیوهٔ مقابله با مشکلات یا تعارض‌های دیرپای خانواده می‌باشد (Sharlin & Mor-Barak, 1992). رشد و تکامل هوش هیجانی به شدت متاثر از جو خانواده است (سارنی، ۱۹۹۹؛ به نقل از Zeidner, et al., 2003) با توجه به این‌که جو خانوادهٔ دختران فراری معمولاً آشفته است و این دختران در خانوادهٔ خود در معرض بدرفتاری‌های جسمی و جنسی قرار دارند، بنابراین جای تعجب نیست که این دختران از سطح هوش هیجانی پایینی برخوردار می‌باشند.

به طور خلاصه، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از عوامل فردی و خانوادگی و روان‌شناختی در فرار دختران از خانه نقش دارند. به عبارت دیگر فرار از خانه، نتیجهٔ تعاملیِ مجموعه‌ای از عوامل است. به این ترتیب که آسیب‌پذیری‌های خانوادگی و روان‌شناختی در تعامل با استرس‌های زندگی و فشارهای ناشی از شرایط رشدی و فقدان مهارت‌های مقابله‌ای موثر منجر به فرار دختران از خانه می‌شود. این یافته‌ها تلویحات مهمی در طراحی برنامه‌های پیشگیرانه دارند. با توجه به این‌که برنامه‌های

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

پیشگیرانه باید براساس عوامل خطرساز و حفاظت‌کنندهٔ آسیب‌های روانی اجتماعی طراحی شوند، بنابراین تاکید بر یک عامل و نادیده گرفتن نقش عوامل دیگر می‌تواند از کارآمدی برنامه‌های مداخله‌ای بکاهد. از آن‌جایی که فرار از خانه همانند سایر آسیب‌های اجتماعی نتیجهٔ عوامل متعدد می‌باشد، برنامه‌های پیشگیرانه نیز باید چند سطحی بوده و تمام عوامل مداخله‌گر را هدف قرار دهند. توانمندسازی روانی ـ اجتماعی دختران نوجوان از طریق آموزش مهارت‌های زندگی و زمینه‌سازی برای ارتقای هوش هیجانی آنان در پیشگیری از پدیدهٔ فرار بسیار موثر خواهد بود. علاوه بر این، آموزش خانواده‌ها و کارکنان مدارس و به‌سازی فضای روانی اجتماعی مدارس و خانواده در کاهش بروز فرار از خانه اثربخش خواهد بود و باید مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

منابع

References

- بازیاری میمندی، مهتاب. (۱۳۸۱)، **بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی، عوامل تنیدگی‌زا، شیوه‌های مقابله، شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری و غیرفراری**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- پیکرستان، عباسعلی. (۱۳۸۰)، **بررسی عمکلرد خانواده‌های دارای دختر نوجوان فراری و خانواده‌های دارای دختر نوجوان عادی**، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- حقیقت‌دوست، زهرا. (۱۳۸۱)، **عوامل زمینه‌ساز فرار دختران از خانه**، فصلنامه رفاه اجتماعی، شمارهٔ ۱۳.
- دهشیری، غلامرضا. (۱۳۸۲)، **هنجاریابی و بررسی ساختار عاملی پرسش‌نامه بهر هیجانی بار-اون بر روی دانشجویان دانشگاهای تهران**، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- زارع، م. (۱۳۸۰)، **مطالعه سهم هوش هیجانی در موفقیت تحصیلی**، پایان‌نامهٔ دوره کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران.
- سعیدی، محمد. (۱۳۷۲)، **علل و انگیزه‌های فرار نوجوانان از خانه**، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صمدی راد، انور. (۱۳۸۰)، **بررسی عوامل اجتماعی و خانوادگی موثر بر فرار دختران از خانه**، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

- Ayerst, S.L. (1999), **Depression and Stress in Street Youth**, *Journal of Adolescence*, available at <www.findarticle.com>.
- Bar-On, R. (1997), **The Emotional Intelligence Inventory (EQ i): Technical manual**, Toronto, Ontario, Canada, Multi-Health system.
- Booth, R.E. & Zhang, Y. (1996), **Severe Aggression and Related Conduct Problems among Runaway and Homeless Adolescents**. Psychiatric Services, 47.
- Coco. L.E. & Courtney, J. (1998), **A Family Systems Approach for Preventing Adolescent Runaway Behavior**, Journal of adolescents, available at <www.findarticle.com>
- Crespi, T. D. & Sabatelli, R. M. (1993), **Adolescent Runaways and Family Strife: A Conflict-Induced Differentiation Framework,** Adolescence, 28.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

References منابع

- Ennet, S. T., Bailey, S.T. & Feuerman, E.B. (1999), **Social Network Characteristics Associated with Risky Behaviors among Runaway and Homeless Youth**, Journal of Health and Social Behavior, 40.
- Feitel, B., Margetson, N., Chamas, J. & Lipman, C. (1992), **Psychosocial Background and Behavioral** and Emotional Disorders of Homeless and Runaway Youth. Hospital and Community Psychiatry, 43.
- Finkelhor, D., Hotaling, G. & Sedlak, A. (1990), **Missing, Abducted, Runaway, and Throwaway Children in America. First Report: Numbers and Characteristics**, National Incidence Studies, Washington, DC, U.S. Department of Justice, Office of Justice Programs, Office of Juvenile Justice and Delinquency Prevention.
- Goleman, D. (1995), **Emotional Intelligence**, New York, Bantam Book.
- Greene, J.M, Ennett S.T. & Ringwalt, C.L. (1999), **Prevalence and Correlates of Survival Sex among Runaway and Homeless Youth**, American Journal of Public Health, 89.
- Greene, J.M., Ennett, S.T. & Ringwalt, C.L. (1997). **Substance Use among Runaway and Homeless Youth in Three National Samples**, American Journal of Public Health.87.
- Janus, M.D., Archambault, F., Brown, S.W. & Welsh, LA. (1995), **Physical Abuse in Canadian Runaway Adolescents**, Child Abuse, 19.
- Kipke, M.D., Montgomery, S.B., Simon, T.R. & Iverson, E.F. (1997), **Substance Abuse Disorders among Runaway and Homeless Youth**, Substance Use Misuse, 2.
- Kurtz, P. D., Jarvis, S. V. & Kurtz, G. L. (1991), **Problems of Homeless Youths: Empirical Findings and Human Services Issues**, Social Work, 36.
- Lappin, J. & Covelman, D. W. (1985), **Adolescent Runaways: A Structural Family Therapy Perspective**, In M.P.Mirkin & S. L. Korean (Eds.), Handbook of Adolescent and Family Therapy, New York, Gardner Press.
- Lewit, E.M. & Baker, L.S. (1996), **Homeless Families and Children**, Future of Children, 6.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

References منابع

- McCormack, A., Burgess, W.A. & Hartman, C. (1998), **Familial Abuse and Post-Traumatic Stress Disorder**, Journal of Traumatic Stress, 2.
- National Network of Runaway and Youth Services Inc. (1991), **A profile of America's Runaway and Homeless youth and the Programs that Help Them**. Washington, DC, Author.
- National Network of Runaway and Youth Services Inc. (1991), **To Whom Do They Belong?**, Washington, DC, Author.
- Paradise, M. & Cauce, A.M. (2002), **Home Street Home: The Interpersonal Dimensions of Adolescent Homelessness**, Analyses of social issues and public policy, 1.
- Patel, D.R. & Greydanus, D.E. (2001), **Homeless Adolescents in The United States: An Overview for Pediatricians**, International Journal of Pediatrics, 7.
- Redlener, I. & Redlener, K.B. (1994), **System-Based Mobile Primary Pediatric Care for Homeless Children: Anatomy of a Working Program**, Bulletin of the New York Academy of Medicine, 71.
- Rohr, M.E. (1996), **Identifying Adolescent Runaways: The Predictive Utility of the Personality Inventory for Children**, Adolescence, 31.
- Rotheram-Borus, M.J., Mahler, K.A., Koopman, C & Langabeer, K. (1996), **Sexual Abuse History and Associated Multiple Risk Behavior in Adolescent Runaways**, American Journal of Orthopsychiatry, 66.
- Sharlin, S. A. & Mor-Barak, M. (1992), **Runaway Girls in Street: Motivation, Background, and Personality,** Journal of Adolescence, 27.
- Whitbeck, L.B., Johnson, K.D., Hoyt, D.R & Cauce, A.M. (2004), **Mental Disorder and Co-Morbidity among Runaway and Homeless Adolescents**, Journal of Adolescent Health, 35.
- Yates, G.L., Mackenzie, R.G., Pennbridge, J. & Swofford, A. (1991), **A Risk Profile Comparison of Homeless Youth Involved in Prostitution and Homeless Youth not Involved**, Journal of Adolescents Health, 12.
- Zeidner, M., Matthews G., Roberts, R.D. & McCann, C. (2003), **Development of Emotional Intelligence: Towards a Multi-level Investment Model**,

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

References **منابع**

Human Development, 46.

- Zide, M. R. & Cherry, A. L. (1992), **A Typology of Runaway Youths: An Empirically Based Definition**, Child and Adolescent Social Work Journal, 9.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]